



بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم یزد - 12 دی / 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على اله الأطيبين
الأطهرين المنتجبين سيما بقية الله في الأرضين.

خیلی خوشحالم و خدای متعال را سپاسگزارم که این توفیق را عنایت فرمود که در میان جمع صمیمی، باصفا و مؤمن و متدین مردم عزیز یزد، بتوانم حضور پیدا کنم و این وظیفه ای را که مدتهاست بر دوش احساس میکردم برای سفر به نزد شما مردم عزیز، انجام بدهم.

شهر شما و استان شما - برادران و خواهران عزیز یزدی! - مرکز دانش، مرکز هنر، مرکز کار و تلاش و ابتکار، مرکز ایمان و دین باوری است. همواره مردم عزیز شهر یزد و استان یزد را به عنوان مردمی با استعداد، نجیب، سرشار از ایمان و باور دینی، سرشار از نیروی کار و ابتکار و تحرک و آماده در همه ی میدانهای که در طول تاریخ معاصر ما از ملت ایران انتظار میرفته است، هم قبل از انقلاب به چشم دیدیم؛ تجربه کردیم، هم بعد از پیروزی انقلاب، مردم یزد درخشیدند؛ در عرصه های دفاع مقدس، در عرصه ی دفاع از هویت انقلاب اسلامی و پس از پایان دفاع مقدس، تا امروز هم در عرصه ی دفاع از ارزشهایی که مورد تهاجم سیاسی و فرهنگی دشمنان قرار گرفته بود. در همه ی این میدانها، مردم عزیز یزد را پایه رکاب، آماده به کار، کمر بسته و دارای عزم و تصمیم مشاهده کردیم و آموذیم.

من فراموش نمیکنم آن روزهایی که هنوز ملت ایران شهید پیروزی را نچشیده بود؛ مردم شهرهای مختلف این کشور هر کدام به قدر توانائی شان، به قدر همتشان برای به سرانجام رساندن این حرکت عظیم کاری میکردند، من آدمم یزد. وضعیتی که در شهر یزد من دیدم، برای من شگفت آور بود. آن روحیه ی پرتپش انقلابی در کنار نظم و انضباط و آرامش و متانت. در این شهر من مرحوم آية الله شهید صدوقی را - در آن دوره نه به عنوان فقط يك روحانی برجسته در يك شهر بلکه به عنوان يك رهبر دینی و سیاسی و فرهنگی؛ يك رهبر انقلابی تمام عیار در این شهر یزد و در شهرهای سرتاسر استان - مشاهده کردم و احساس کردم. چند روزی من در یزد بودم، وضع شهر را دیدم. از تبعید می آمدم، شهرهای دیگر را هم دیده بودم و بعد دیدم؛ اما وضع یزد بدون اغراق يك وضع استثنائی بود. درباره ی مناقب مردم عزیز یزد لازم است مثل منی آنچه را که می بیند و میداند و احساس میکند، مخلصانه با شما مردم یزد و با ملت ایران - آنچه لازم است - در میان گذارد.



من همواره در همه ی شهرهای این کشور با مردم وقتی مواجه شدم، بر روی این مطلب تکیه کردم که مردم ما - این مردم دارای ریشه های عمیق تاریخی، علمی و فرهنگی و سیاسی - باید شناسنامه ی خودشان را، شهر خودشان را بدرستی و دقت بشناسند؛ قدر خودشان را بدانند. اگر از مناقب شهر یزد و مردم یزد و استان یزد سخن میگوئیم، برای این است.

عزیزان من! دهها سال دشمنان این ملت سعی کرده اند شناسنامه های تاریخی ما را پاره کنند، امحاء کنند، از بین ببرند. ما را با يك ملت بی ریشه اشتباه گرفتند؛ ما را با ملت‌هایی که نه تاریخ دارند، نه سابقه ی تمدن دارند، نه طومار بلندی از نام عالمان و دانشمندان و هنرمندان در طول تاریخ دارند، اشتباه گرفتند؛ با ما بد رفتار کردند. يك عده هم از میان خود ما متأسفانه فریب خوردند، قضاوت دشمن را درباره ی ملت ایران و درباره ی مردم ایران پذیرفتند.

شهر یزد همانطوری که اشاره کردم، شهر علم است. نام آوردن از علمای یزد در رشته های مختلف علوم، بخصوص علوم دینی، ساعتها وقت میبرد که انسان فقط اسم اینها را بیاورد و یاد مختصری از آنها بکند. این فقط مربوط به گذشته نیست. زمان خود ما، در دوران تحصیلات دینی خود ما، در دوران فعالیتهای اجتماعی خود ما، در همین استان، علمای برجسته، شخصیت‌های برجسته، چهره های درخشان بودند. امروز هم وقتی نگاه میکنیم، می بینیم استان یزد در طول چهارده سال پی درپی بیشترین نسبت قبولی در دانشگاهها را نسبت به شرکت کنندگان در کنکور سراسری کشور ارائه دادند. این چیز کمی نیست، این نشان دهنده ی این است که استعداد علمی، استعداد دانشمند شدن، استعداد نخبه شدن، استعداد تبدیل شدن به بازوان توانا و مغزهای متفکری که میتواند این ملت را تکان بدهد و به سوی آینده ای که انقلاب اسلامی برای او ترسیم کرده است به پیش ببرد، در این استان فراوان است. جوان یزدی، مرد و زن یزدی، روحانی یزدی، روشنفکر یزدی، استاد یزدی باید قدر این استعداد را بدانند. و همه بدانند که شکر این نعمت، در شناختن آن، در به کار گرفتن آن، در راه اندازی آن است.

تجربه ی مردم یزد و استان یزد در دفاع مقدس هم تجربه ی موفقی بود. مردم یزد تو خانه ها نشستند تا برای پیروزی رزمندگان فقط دعا کنند؛ وارد میدان جنگ شدند. من فراموش نمیکنم در جبهه ی نبرد، تیپ الغدیر و پادگان الغدیر یزدیها یکی از بهترین، قوی ترین، پرخطرپذیرترین و منضبطترین مجموعه های نظامی ای بود که ما در میدان جنگ دیدیم. شهدای برجسته ی شما، جانبازان شما، آزادگان سرافراز شما، خانواده های صبور آنها، همه شواهد صدقی هستند بر این حضور شجاعانه ی مردم یزد در میدان خطر، آنوقتی که به آنها نیاز هست.

در دانشگاه خوبید، در میدان جنگ خوبید، در میدان صنعت خوبید، در میدان کشاورزی هم با وجود خشکی طبیعی



این منطقه و این اقلیم، خوبید. يك يزدی چشمه ی آبی اگر در گوشه ای پیدا میکند که ساعتی به قدر يك سطل كوچك از آن آب می آید، همین آب را قدردانی میکند، هدایت میکند؛ با او يك كشتزار را، يك مزرعه را، يك باغ را به وجود می آورد و از برکات آن، خود و دیگران را برخوردار میکند. اینها خیلی قیمت دارد؛ سختکوشی.

پنجاه سال قبل من در عراق باغستانهائی را دیدم بین کربلا و نجف؛ همه ی مردم عراق - آنهائی که ما دیدیم - میدانستند اینها کار یزدیهاست. گفتند یزدیها از ایران آمده اند این باغستانهای بین کربلا و نجف را در آن منطقه ای که کار و تلاش خیلی معنی ندارد، انجام دادند. هرجا در سرتاسر کشور رفتند، این سختکوشی خودش را نشان داده است؛ سختکوشی همراه با قناعت.

من درباره ی اسراف با مردم عزیز کشورمان بارها صحبت کردم؛ در نماز (1) گذشته هم همین مطلب را بیان کردم، از مردم خواستم. یکی از آن جاهائی که میتواند در مورد اجتناب از اسراف الگو قرار بگیرد، شهر شما و استان شماست. البته این را در پراوتز عرض بکنیم؛ این خوی طبیعی این مردم است، به شرط اینکه عارضه ی اشرافیگری، خود را تحمیل نکند. اشرافیگری مثل يك بیماری است. بر هر کجا که وارد شد، بسیاری از خویهای مستحسن و پسندیده را تحت الشعاع قرار میدهد، کم کم آنها را ضعیف میکند و شاید از بین میبرد. اسیر اشرافیگری نباید بشویم ما مردم ایران.

خوی طبیعی یزدی قناعت است؛ سختکوشی است. در کنار آن - آن هم با آن استعدادی که شرح دادم در زمینه های مختلف - علمش و هنرش است. این آثار معماری، همین مجموعه ی معماری بسیار زیبایی که الان در آنجا هستیم، این مجموعه ی امیر چخماق، مسجد جامع و سایر مراکزی که در این شهر و در این استان وجود دارد، نشاندهنده ی ذوق هنری ای است که در طول تاریخ ماندگار است، بومی است؛ میراثهای بومی يك شهر و يك استان است.

خوب، من از همه ی اینها يك مطلب را میخواهم استحصال کنم و این را زمینه ی بحث کوتاهی که میخواهم با شما بکنم، قرار بدهم و او اعتماد به نفس است. یزدیها جزو خصوصیاتشان این است: اعتماد به نفس دارند. اینی که شما می بینید در شهر غربت، در کشور غریب، در بیابانهای بین کربلا و نجف، در هر نقطه ی دیگر از این کشور، يك نفر یزدی وقتی که آنجا میتواند جای پای خود را محکم کند، شروع میکند به تولید و سازندگی و تولید ثروت، همراه با همان خصوصیات مثبتی که گفته شد، این ناشی از اعتماد به نفس است.



من امروز میخواهم به شما و همه ی ملت ایران عرض بکنم ملت ما یکی از داروهای بسیار لازم و مؤثری که نیاز دارد - داروی روحی و فکری - و باید این را در میان خود توسعه و ترویج کند، داروی اعتماد به نفس است. ملت ایران باید اعتماد به نفسی را که به برکت انقلاب و به برکت ایستادگی در میدان پرخاطر انقلاب به دست آورد و بعد در میدان دفاع مقدس با همه ی آن مشکلات با ایستادگی خود، این اعتماد به نفس در او تقویت شد، این اعتماد به نفس را باید حفظ کند. این اعتماد به نفس، به ملت ایران این جرئت را، این همت را، این توانائی را میدهد که این راه طولانی تا آرمانهای ترسیم شده ی برای جامعه ی اسلامی را طی بکند ؛ بدون او نمیشود. بدون اعتماد به نفس نمیشود این راه را رفت.

برادران و خواهران عزیز من! انقلاب ما فقط این نبود که يك حکومتی برود، يك حکومتی بیاید قدرت را به جای او در دست بگیرد. مسئله این نبود. اگر این بود، ملت با این فداکاری چرا وارد میدان بشود؟ خوب، دو گروه با هم رقابت می کنند ؛ یکی می آید علیه آن یکی. مثل اینکه می بینید در کشورهای دیگر ؛ وارد میدان میشوند، میزنند یا میبرند یا میبازند. اینی که يك ملت با همه ی وجود، با همه ی تن و جان، با همه ی توان، با جوانش، با مالش وارد میدان میشود، این معنایش این است که این حرکتی که دارد اتفاق می افتد، فقط دست به دست شدن قدرت بین دو گروه نیست ؛ این يك تحول عظیم، متوجه و معطوف به يك سلسله آرمانهای مردمی و ملی است ؛ معنایش این است.

انقلاب ما يك آرمانهائی را ترسیم کرد. مردم مؤمن ما وقتی به هدایت دین خودشان نگاه کردند، دیدند این آرمانها همان چیزهائی است که به آن نیاز دارند. لذا در راه او حرکت کردند ؛ جوانشان را هم دادند، جانشان را هم دادند، مالشان را هم دادند، پاش ایستادند. ما میخواهیم به این آرمانها برسیم. این آرمانها چیست؟ اگر در يك جمله بخواهیم این آرمانها را بگوئیم، «جامعه ی اسلامی» است. ما امروز در راه جامعه ی اسلامی داریم حرکت می کنیم.

جامعه ی اسلامی آن جامعه ای است که در او عدالت به نحو کامل استقرار داشته باشد ؛ اخلاق اسلامی به صورت گسترده در میان مردم وجود داشته باشد ؛ مردمان همان ترازى را به دست بیاورند که پیامبران الهی میخواستند این تراز ساخته بشود در میان جامعه ی اسلامی ؛ قدرتمند، شجاع، عزیز، برخوردار از مواهب زندگی و در عین حال عبد خدا ؛ تسلیم اراده ی پروردگار. آزادی حقیقی برای يك ملت و برای يك انسان این است که اراده ی خودش را، همت خودش را، نیرو و توان خودش را به کار بیندازد برای بهروزی خود و آن بهروزی را در عبودیت خدا و بندگی خدا ببیند. ما دنبال این هستیم.

امروز خلأ بزرگ دنیای لیبرال دموکراسی غرب همین است. کارخانه ها را زیاد کردند، چرخهای گردنده را زیاد کردند،



دامنه ی علم را گسترش دادند؛ اما عدالت اجتماعی را نتوانستند تأمین کنند. اخلاق انسانی به انحطاط کشیده شده؛ این حرفی نیست که من اینجا بگویم. مگر میشود در یک تربیون و منبر جهانی، که امروز این حرفها در دنیا منعکس میشود، چیزی برخلاف آنچه که احساس مردم آن کشورهاست، بر زبان آورد؛ حرفی است که خودشان میزنند.

امروز بحران اخلاقی گریبانگیر لیبرال دموکراسی غرب است. امروز بحران جنسی، بحران اقتصادی، بحران اخلاقی، بحران خانوادگی، گرفتاریهای همان کشورهایی است که از لحاظ علمی چشم تاریخ را خیره کردند از پیشرفتهای خودشان.

بشر سعادت‌مندی اش به این نیست که دانش او پیشرفت کند - دانش ابزار سعادت است - سعادت بشر به آسایش فکر است، به آسایش روح است، به زندگی بی دغدغه است، به زندگی همراه با امنیت اخلاقی و معنوی و مادی است، به احساس عدالت در جامعه است. این را غرب ندارد؛ نه اینکه ندارد، روزبه روز هم از او دارد دورتر میشود. ما این را برای نشان دادن به دنیا به عنوان آرمان خودمان ترسیم کردیم؛ ما نکردیم، خدا کرد. ملت ایران به اقتضای ایمان خود به این راه، دنبال این راه افتاد.

برادران و خواهران عزیز من! مردم عزیز یزد! ملت عزیز ایران! اگر بخواهیم به آن آرمان برسیم، احتیاج دارد به اعتماد به نفس. باید بگوئیم میتوانیم؛ همچنانیکه تا امروز آن کارهایی را که اراده ی ملی به آن تعلق گرفت، توانستیم انجام بدهیم. مگر شوخی بود در یک کشوری که زیر فشار استکبار و استعمار است، فاسدترین حکومت‌های جهان بر آن حکومت میکند و شرق و غرب عالم، منافعشان را در حکومت آن خاندان منحوس می بینند، این خاندان را به زیر کشیدن؛ بنیاد پویشالی حکومت سلطنتی موروثی را بکلی از بین بردن؛ یک نظام مردمی، متکی به آراء ملت، متکی به عواطف مردم، در یک چنین کشور استبدادزده ی در طول قرنهای متمادی به وجود آوردن؛ این کار شوخی است؟! این کار را ملت ایران کرد. امروز در این منطقه، هیچ کشوری از لحاظ اتکاء به آراء و عواطف مردم، به جمهوری اسلامی نمیرسد.

انسان غصه میخورد که بعضیها به خاطر ملاحظات سیاسی - ملاحظات جناحی باید بگویم - جوری حرف میزنند که گوئی در این مملکت دموکراسی، مردم سالاری نیست. این بی انصافی است. بیست و هشت سال است که این ملت هر سال به طور متوسط یک انتخابات دارد؛ انتخابات آزاد، انتخابات از روی عقلانیت، انتخابات با حضور گسترده ی مردم، دارای نوسان، با حضور گرایشهای مختلف. چرا برای دلخوشی دشمنانمان که سعی میکنند انکار کنند وجود دموکراسی در سایه ی اسلام را و مرتباً منفی بافی میکنند، ما هم همان حرفهای آنها را تکرار کنیم؟



ملت ایران با اعتماد به نفس خود این بنای مبارک را گذاشت؛ توانست مردم سالاری را به وجود بیاورد، آن هم با یک شیوه‌ی تازه و بی سابقه؛ مردم سالاری دینی. در همه‌ی جای دنیا دموکراسیها در یک چهارچوب قرار دارند. هیچ جا وجود ندارد که یک دموکراسی ای باشد، اما به وسیله‌ی یک چهارچوب و یک هدفگذاری خاصی هدایت نشود؛ یا به وسیله‌ی احزاب است، یا به وسیله‌ی دستگاههای قضائی است، یا به وسیله‌ی دستگاههای خارج از دستگاه قضائی و اجرائی است. همه جای دنیا اینجور است. ما این چهارچوب را اسلام قرار دادیم؛ چون ملت ایران ملت مسلمانند؛ چون ملت ایران مؤمنند. این شد مردم سالاری دینی، مردم سالاری اسلامی.

علت اینکه ملت‌های مسلمان از کشورهای دیگر، به چشم عظمت به ملت ایران نگاه میکنند، این است که ملت ایران اولاً جرئت کرد وارد میدان بشود و نظام حکومتی جرئت کرد به مردم میدان بدهد و بعد هم یک معنای خاصی، یک شکل خاصی، صیغه‌ی خاصی از مردم سالاری را که دنیا او را نمیشناخت، در دنیا مطرح کرد؛ مثل پرچمی در دست گرفت.

همه جای دنیا ملت‌ها و دولت‌ها تحت تأثیر هوچی بازیهای تبلیغاتی دشمنانشان قرار میگیرند؛ ملت ایران تحت تأثیر هوچی بازیها قرار نگرفت. در قضیه‌ی مردم سالاری دینی، در بسیاری از قضایای دیگر، در مسئله‌ی زنان، در مسئله‌ی شیوه‌های معمول ما در سیاست خارجی، در ارتباطمان با قطبهای قدرت جهانی، در هیچ کدام از اینها، ملت ایران به خاطر هوچی بازیهای تبلیغاتی منفعل نشد؛ راه خودش را عوض نکرد، بعد از این هم همین خواهد بود. من میگویم این اعتماد به نفس را ملت ایران باید حفظ کند.

یکی از نشانه‌های این اعتماد به نفس، قدم گذاشتن ملت ایران در میدانهای کشفیات علمی سطح بالاست. یکی از اش مسئله‌ی انرژی هسته‌ای است که حالا در دهان همه‌ی مردم ما هست؛ اما فقط این نیست؛ در بخشهای بسیار حساس، بسیار دقیق، بسیار نو، جوانان ما، دانشمندان ما، برجستگان ما وارد میدان شدند، کارهای بزرگ انجام دادند؛ همین مسئله‌ی سلولهای بنیادی، کشف داروهای جدید و بی سابقه برای برخی از بیماریهای صعب‌العلاج - که اعلان کردند، بعد هم باز ان شاءالله اعلام خواهند کرد - در مسائل گوناگون. ایرانی استعداد خودش را به میدان آورد و اعتماد به نفس نشان داد و پیش رفت و بعد از این هم پیش خواهیم رفت.

فاصله‌ی ما را با دنیا از لحاظ علمی در طول دهها سال گذشته، که سالهای رشد دانش در عالم بود، افزایش دادند؛



اما به فضل الهی ما این فاصله را کم خواهیم کرد و به علم هم اکتفا نمیکنیم؛ معنویت، اخلاق، سازندگی خود؛ این را ما باید به عنوان یک وظیفه برای خودمان بدانیم. یک جمله راجع به انتخابات بگویم، یک جمله هم راجع به استان شما و شهر شما عرض بکنم.

مسئله ی انتخابات، مسئله ی مهم امسال ملت ایران است. البته مسائل مهم داشته ایم، این آخر سالی شاید مهمترین مسئله ی کشور که در سال جاری ما اتفاق می افتد، انتخابات مجلس است. البته هنوز تا آن وقت فاصله داریم و زمان برای حرف زدن و گفتن هنوز باقی است، بنده هم عریضی دارم که ان شاءالله در وقت خود خواهم گفت. آنچه که امروز میخواهم به شما بگویم، این است که ملت ایران انتخابات را قدر بدانند. انتخابات یک نمایشگاه است برای نشان دادن عزم و رشد ملی ملت ایران، استقامت ملت ایران، دانائی و هوشیاری ملت ایران، پایبندی ملت ایران به نظام مردم سالاری دینی.

آنچه که بنده در همه ی انتخاباتها تأکید کرده ام، امروز هم همان را در درجه ی اول تأکید میکنم، حضور مردمی و قدردانی مردمی است از انتخابات. من به شما عرض بکنم - البته حالا سربسته میگویم - سعی شد در این کشور، باب انتخابات بسته شود تا دشمنان بتوانند بگویند نظام جمهوری اسلامی نظام مردمی نیست؛ تلاش شد برای این کار، خدای متعال نگذاشت؛ اراده ی الهی بر اراده ی بدخواهان فائق آمد، دلهای مردم به سمت انتخابات جذب شد در دوره های متعدد و بخشهای مختلف؛ علی رغم دشمن، مردم در انتخابات شرکت کردند. این انتخابات هم همانجور است.

آنچه که من عرض می کنم، در درجه ی اول حضور مردمی است. در درجه ی بعد که البته حائز اهمیت بسیاری است این هم، پیدا کردن نماینده ی اصلح است. آن کسانی که به وسیله ی شورای نگهبان صلاحیت آنها اعلام میشود، معنایش این است که این از حداقل صلاحیت مورد نیاز برخوردار است. در بین این کسانی که اعلام میشوند، افرادی هستند با صلاحیتهای بالاتر، افرادی هستند در سطح پایین تر. هنر ملت ایران و مردم شهرها و حوزه های انتخابیه این است که دقت کنند، نگاه کنند، بشناسند اصلح را، بهترین را انتخاب کنند؛ بهترین از لحاظ ایمان، بهترین از لحاظ اخلاص و امانت، بهترین از لحاظ دینداری و آمادگی برای حضور در میدانهای انقلاب؛ دردشناس ترین و دردمندترین نسبت به نیازهای مردم را انتخاب کنند. اینها فرصتهائی هست، بایستی مردم عزیز ما در همه جای کشور - این دیگر مخصوص استان یزد نیست - هوشیارانه، با بصیرت تمام تلاش کنند، پیدا کنند و با رأی خود مسجل کنند و مجلس را - آن مجلسی را که مورد نیاز جامعه ی کنونی ماست - تشکیل بدهند.



البته مردم توجه باید داشته باشند که تبلیغات رنگین و متنوع ملاک نیست؛ وعده های غیر عملی ملاک نیست. من با خود نماینده های محترم در دوره های مختلف وقتی مواجه شدم، به اینها گفتم: آقایان و خانمهای نماینده! وظیفه ی نماینده این نیست که وعده ی عمرانی و فلان پروژه، فلان کار را در منطقه ی انتخابی خود به مردم بدهد؛ اینها کار اجرائی است، کار دولت است. وظیفه ی نماینده این است که بتواند قانون مورد نیاز کشور را پیدا کند، آن قانون را جعل کند. وقتی قانون شد - یعنی قاعده ای گذاشته میشود - دستگاههای اجرائی و قضائی مجبورند برطبق قانون عمل بکنند و عمل میکنند. وعده های غیر عملی دادن، وعده های بزرگ دادن، اینها ملاک نیست؛ باید مردم توجه کنند؛ گاهی علامت منفی هم هست. از طرف علاقه مندان به نامزدهای انتخاباتی گوناگون، بد اخلاقیهای انتخاباتی، شایسته ی ملت ما نیست؛ تهمت زدن آدمهای مؤمن را، مصونیت دار از لحاظ اسلامی و شرعی را؛ در معرض هتک آبرو قرار دادن در شبنامه ها، در مطبوعات، در پایگاههای اینترنتی و غیره، اینها اصلاً مصلحت نیست. من به طور جد از همه ی کسانی که نسبت به نامزدهای مختلف علاقه مندی ای دارند، درخواست میکنم، اصرار میکنم که این علاقه مندی خودتان را از راه تخریب دیگران، اهانت به دیگران، متهم کردن دیگران نشان ندهید. هرچه میخواهید، از نامزد مورد علاقه ی خودتان تمجید کنید، تعریف کنید؛ اما دیگران را تخریب نکنید. این علامت بدی است. بعضی جاها در دنیا معمول است اسرار خانوادگی یکدیگر را برملا میکنند، عکسهای پنهانی از هم میگیرند، افشا میکنند. خوب، همانهایی هستند که وقتی هم رفتند مجلس - دیده اید در تلویزیون - سر یک مسئله ای می افتد به جان هم، با مشیت و لگد با هم رفتار میکنند! اینکه امتیاز برای نماینده نیست. آنچه که در مورد انتخابات باید به یاد مردم عزیز ما باشد، آماده شدن برای حضور همه جانبه و گسترده در انتخابات و کوشش کردن برای شناسائی اصلح و مراعات کردن رفتارهای انتخاباتی است، که این را عرض کردیم.

در مورد یزد؛ چه استان یزد، چه شهر یزد. البته دوستان یزدی ما همیشه به من اعتراض میکردند در این چند سال که آمدن ما به یزد تأخیر پیدا کرد. من البته تصدیق میکنم این را. خوب، حالا بحمدالله سفرهای استانی مسئولین دولت هم هست؛ سفر میکنند، نیازها را میسنجند. بنده هم هنوز استانهائی هست که نرفته ام؛ استان فارس در همسایگی شماس، هنوز نرفته ایم؛ استان کردستان، استان کرمانشاه؛ اینها استانهائی است که در ردیف بازدیدهای ما قرار نگرفته هنوز، ان شاءالله اگر عمری باشد، در آینده از آنها هم بازدید خواهیم کرد. خدا را شکر میکنیم که این توفیق پیدا شد. آنچه مهم است، این است که برای آبادی استان، برای پیشرفت استان، هم دولت با همه ی دستگاههایش، هم مجموعه های غیردولتی، آحاد مردم، مؤسسات غیر دولتی، مؤسسات اقتصادی و فرهنگی و غیره باید همکاری کنند.

دولت باید این مصوباتی را که در مورد این استان انجام داده اند در سفری که به این استان کردند، ان شاءالله توفیق پیدا کنند به طور کامل انجام بدهند. البته این حرکت دولت - سفر به استانها - بسیار حرکت خوب و مبارکی است. بنده قدردانی میکنم از این حرکت مجموعه ی دولت که به شهرها میروند، به راههای دور میروند، مشی مردمی اتخاذ میکنند؛ اینها بار ارزش است. با همه ی شهرها از دور و نزدیک ملاقات میکنند. بعضی از شهرها هستند که مردم آنها یک مدیر کل را هم هرگز نمیتوانسته اند ببینند، حالا رئیس جمهور را، وزیر را، نزدیک خودشان می بینند، با آنها حرف



میزنند؛ اینها باارزش است. ما باید قدردان این چیزها باشیم. مصوباتی هم که در استانها تصویب میشود، اگر فرض کنیم بعضی از این مصوبات هم اجرا نشود، آنچه که اجرا میشود، برای استانها مغتنم است و باارزش است. باید تلاش کنند.

اشاره کردند به مسئله ی آب. من میدانم مسئله ی مهم استان یزد، مسئله ی آب است. البته در نظرسنجیهای مردم، مسئله ی اشتغال، مسئله ی گرانی، جزء مسائلی است که مورد اهتمام شماست. همه ی مسئولین؛ چه آنهایی که باید قانون بگذارند، چه آنهایی که باید اجرا کنند، چه آنهایی که باید متخلف را تعقیب کنند - یعنی قوای سه گانه - وظیفه دارند در این زمینه ها کار کنند. ما هم سفارش کردیم، تأکید کردیم، باز هم تأکید میکنیم؛ اما پیشبردن کارها، مواجهه شدن با مشکلات، دست و پنجه نرم کردن با موانع راه - که مسئولین در سطوح مختلف با آن مواجه هستند - کار آسانی نیست؛ دارند تلاش میکنند. باارزش است این تلاشی که دارند انجام میدهند. مهم این است که اعتماد ملت ما به مسئولینش اعتماد عمیقی است و این اعتماد را باید همچنان حفظ کنیم.

البته دشمن سعی میکند ارتباط قلبی و عواطف بین مسئولین را و بین مردم را تضعیف کند. هر وقتی به تناسب بخشی از دستگاه جمهوری اسلامی را تضعیف میکنند، متهم میکنند؛ یک روز قوه ی مجریه را، یک روز قوه ی مقننه را، یک روز قوه ی قضائیه را، یک روز دستگاههای گوناگون دیگر نظام را؛ کار دشمن است، برای اینکه مردم را دچار حیرت و سردرگمی کنند. مردم ما خوشبختانه هوشیارند؛ بصیرند، مسائل را محاسبه میکنند و درست هم محاسبه میکنند. لذا رابطه ی بین مردم، رابطه ی بین مسئولین و مردم، رابطه ی گرم و مستحکمی است. ان شاءالله روزبه روز این رابطه مستحکم تر بشود و مردم ببینند و عملاً حس کنند که مسئولین برای آنها دلسوزی میکنند؛ و مسئولین آماده ی به کارند و کارائی دارند و میتوانند کارها را پیش ببرند.

من لازم میدانم از شما مردم عزیز به خاطر محبتتان، صفاتان، اجتماعتان در این روز سرد، در این میدان و در خیابانهایی که در راه شما را زیارت کردیم، تشکر کنم. از خدای متعال توفیقات شما را مسئلت میکنم و ان شاءالله در این زمینه ها در طول روزهایی که در این استان هستم، مطالب دیگری هست که بتدریج عرض خواهم کرد.

پروردگارا! رحمت خود، برکات خود، تفضلات خود را بر این مردم عزیز نازل بفرما. پروردگارا! این مردم را همچنانی که دل آنها و روح آنها در مقابل تو خاضع و خاشع است، دل و جان آنها را با انوار لطف خود نورانی بگردان. پروردگارا! شهدای عزیز این جمع انبوه و این استان را با شهدای صدر اسلام محشور کن. پروردگارا! علمای بزرگ، پیشوایان مذهبی برجسته ای که ما در طول این سالها خودمان دیدیم - مرحوم شهید صدوقی، مرحوم آیهالله خاتمی، مرحوم



آیه‌الله اعرافی از میبد و علمای بزرگ دیگری که ما اینها را از نزدیک دیدیم، اهمیت کار آنها را و حضور آنها را احساس کردیم - درجات آنها را عالی کن. پروردگارا! جوانان خوب، پدر، مادرهای خوب و مؤمن در این استان را مشمول توفیقات و هدایت خود قرار بده؛ روزه روز بر پیشرفت و اعتلای مادی و معنوی این مردم بیفزای؛ روح مطهر امام بزرگوار را که سلسله جنبان این حرکت عظیم است و حق به گردن همه ی ملت ایران دارد، با ارواح مطهر انبیاء و اولیاء محشور بفرما.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

(1) خطبه های نماز عید فطر؛ 21/7/1386.